

۱۶ آذر امسال تجلی اتحاد دانشجویان و کارگران

صفحه ۲ حزب کمونیست کارگری ایران



مانوور نظامی - ناموسی، برای دفاع از ثروت و قدرت!

صفحه ۳ عبدال گلپریان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴ نسان نودینیان، نسرین رضاعلی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵ تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

تحرك در میان کارگران نفت بالا گرفته است

صفحه ۶ حزب کمونیست کارگری ایران

تصرف حلب و رقابت دو قطب جهانی و منطقه ای (بخش اول)

محمد آسنگران

و روسیه، قطب مقابل برای سرنگونی بشار اسد از راه شکست انقلاب مردم سوریه شامل ترکیه، عربستان و قطر و دولتهای غربی به رهبری آمریکا با تقویت جریانات اسلامی تروریست مسلح که بتوانند سوریه را به منطقه تحت نفوذ خود تبدیل کنند.

جدال این دو قطب از سال ۲۰۱۲ در سوریه شدت بیشتری گرفت. ترکیه با حمایت آمریکا و متحدین منطقه ای خود افسران فراری از ارتش اسد و سران قبایل و جریانات اسلامی را در سوریه آموزش داد و ابتدا ارتشی به اسم ارتش آزاد تشکیل دادند.

جریانات اسلامی تروریست هم در ارتش آزاد و هم مستقل از آن با استفاده از کمکهای نظامی و مالی و اطلاعاتی و... تقویت شدند. همه جریانات تروریست اسلامی از ارتش آزاد گرفته تا بقیه جریانات اسلامی از جمله داعش و القاعده و... کمک بی دریغ کشورهای این قطب را دریافت کردند و مسلحانه وارد جنگ با ارتش سوریه شدند. از روزی که انقلاب متمدنانه و شهری مردم به جنگ مسلحانه این جریانات با ارتش سوریه تبدیل شد، امکان و مجال برای ابراز وجود مردم معترض و مدرن باقی نماند. آنچه ما بعد از شش ماه از عمر انقلاب شاهدش بودیم این بود که مردم انقلابی خانه نشین شدند و جریانات تروریست اسلامی و حکومت بشار اسد میداندار رقابت و جنگ با همدیگر.

بدون تردید تصرف حلب از جانب ارتش سوریه و متحدینش، موقعیت دولت سوریه را محکمتر میکند. اما پیامدهای این مسئله فراتر از تعادل قوای داخلی سوریه است. چرا که تصرف حلب و شکست نیروهای فتح الشام یا همان جبهه النصره که شاخه ای از القاعده هستند، نشانه ای از موقعیت دو قطب رقیب به رهبری روسیه و آمریکا نیز هست. آنچه امروز در خاورمیانه و بخشهایی از آفریقا میگذرد تنها جنگ داخلی دولتهای اسلامی مرتجع با نیروهای تروریستی اسلامی رقیب نیست. بحران خاورمیانه عمدتاً نتیجه رقابت دو قطب رقیب جهانی به رهبری آمریکا و روسیه است. هر کدام از این قدرتها البته دولتها و جریانات تروریست متحد خود را در کشورهای جنگ زده دارند و آنها را مورد حمایت قرار میدهند.

همگان میدانند که جنگ داخلی و ویران شدن سوریه و سر بر آوردن داعش و داعشهای دیگر در سوریه نه نتیجه انقلاب مردم بلکه نتیجه شکست آن انقلاب بود. هنگامیکه انقلاب میلیونی مردم در سال ۲۰۱۱ به دنبال "بهار عربی" علیه بشار اسد به عنوان یک رژیم بیرحم و دیکتاتور میرفت که بساط رژیم خانواده اسد را در هم بپسچد، بلافاصله دو قطب منطقه ای و جهانی به میدان آمدند و دخالت کردند. یکی با هدف دفاع از بشار اسد و شکست انقلاب مردم، شامل جمهوری اسلامی، عراق و حزب الله

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تصرف حلب و رقابت دو ...



محمد آسنگران

وزن آمریکا در جدالهای جهانی و منطقه ای پیامدهایی داشت که کشورهای متحد او یکی بعد از دیگری به عنوان نیرو و دولت‌های گریز از مرکز عمل کردند و این دومی موقعیت آمریکا را بیش از پیش تضعیف کرد و قطب مخالف به رهبری روسیه را تقویت نمود.

موقعیت تضعیف شده آمریکا و نتایج آن

بلافاصله بعد از اینکه در نتیجه رقابت و جدال دو قطب رقیب با همدیگر، انقلاب سوریه شکست و به جنگ داخلی سوریه تبدیل شد، رقابت آنها شدت بیشتری گرفت. نه تنها رقابت این دو قطب با همدیگر شدت گرفت، بلکه رقابت دولتهایی دخیل در این سناریو بویژه دولتهایی که متحد غرب بودند به رقابت با همدیگر پرداختند. چنانچه دولت عربستان و قطر علیه همدیگر و این دو در مقابل ترکیه منافع و سیاست مورد نظر خودشان را تعقیب کردند. آمریکا با یکه تازی خود که هیچکدام از اینها را دوست قابل اعتماد نمیدانست به رقابت پوشیده ای با آنها و برای تضعیف همه آنها دست بکار شد.

در پروسه ای چند ساله و در وسط راه دولت ترکیه احساس کرد سرش بی کلاه مانده و دوستانش به او خیانت کرده اند. هنگامیکه عربستان همراه با ارتش مصر دوست و متحد ترکیه اخوان المسلمین را از قدرت ساقط کرد و در قدم بعدی عربستان ائتلاف کشورهای عربی متحد خود و رهبری این ائتلاف علیه حوثیها را بعهد گرفت، آوردغان با زانو زدن در مقابل پوتین از او معذرت خواهی کرد و او را جای اعتماد بیشتری دانست. این رویکرد تازه و غیر مترقبه ترکیه مورد استقبال روسیه قرار گرفت و قرار دادهای اقتصادی و سیاسی فیما بین اکنون

مایه نگرانی کشورهای عضو ناتو بویژه آمریکا شده است.

اگرچه ترکیه تلاش میکند با روسیه دوستی برقرار کند و روسیه هم با آغوش باز از او استقبال کرده است، اما جایابی ترکیه از قطبی به قطب دیگر و مهاجرت کردن او به سمت روسیه امری ممکن و عملی بنظر نمیرسد. با این وجود این اولین مورد نبود که یکی از دوستان آمریکا و غرب با رویکرد نزدیکی به روسیه نارضایتی اش را نشان میداد. قبلا هنگام کودتای ارتش مصر علیه محمد مرسی رئیس جمهور این کشور عربستان برخلاف توصیه های رسمی آمریکا و اروپا در کنار ارتش مصر و میلیاردها دلار به ارتش مصر کمک بلاعوض پرداخت. خرید تسلیحات نظامی سه میلیارد دلاری سیسی از روسیه تنها یک مورد علنی این کمکها است.

نه تنها عربستان و ترکیه بلکه دولت اسرائیل هم در این دوره نسبت به آمریکا بی اعتمادی خودش را پنهان نکرد. او در مورد توافق برجام همراه عربستان و کشورهای خلیج سیاست غرب و آمریکا را ناقض پیمانهای دوستی خود و آن کشور ارزیابی کردند.

در این میان روسیه تلاش کرد به عنوان قدرتی جهانی که بعد از یک دوره ۲۰ ساله رکود و کم تاثیر در سیاست جهانی و منطقه ای جایگاهی برای خود کسب کند و منطقه نفوذی در منطقه و جهان پیدا کند. روسیه هم در قضیه اوکراین و قبلا گرجستان و هم در مورد سوریه نقش متحد قابل اعتمادتری نسبت به آمریکا برای دوستانش ایفا کرد. این موارد فوق البته تنها نمونه هایی از نتایج موقعیت تضعیف شده آمریکا بعد از عروج دوباره روسیه به عنوان یک قدرت جهانی است.

ادامه دارد

۱۶ آذر امسال تجلی اتحاد دانشجویان و کارگران

برداشت، بیانیه امسال دانشجویان گام مهم دیگری این اتحاد طبقاتی اکثریت جامعه را به جلو برد و به تجلی اتحاد کارگر و معلم و دانشجو تبدیل شد. و این شروع دوره تازه ای از مبارزات کارگران و استشارشدگان را نوید میدهد.

به این فاکتورها باید تجمعات و مراسم های مختلف دانشجویان در دانشگاههای مختلف تهران و تبریز و اصفهان و بابل و سمنان و ... را نیز اضافه کرد. در این تجمعات اعتراضی دانشجویان شعارهای کوبنده سر دادند و عوامل منفور صدا و سیما را بعنوان مایه ننگی از دانشگاه بیرون انداختند و بر عزم خود برای مبارزه حول بیانیه مهم خود تاکید کردند.

جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش با جنایات بسیار تلاش کرد که دانشگاه را به محل و سنگر ارتجاع حاکم تبدیل کند. اما سران این حکومت قاعدتا باید متوجه شده باشند که کور خوانده اند. دانشگاه سنگر اتحاد و آزادیخواهی و انسانیت باقی ماند و این نقش را آگاهانه تر و پیشروتر از قبل دارد ایفا میکند.

در حالیکه ناسیونالیست ها به پاسارگاد و کورش دخیل بسته اند، قومپرستان مشغول دامن زدن به نفرت قومی در میان بخش های مختلف مردم هستند و اصلاح طلبان هم و غمشان از آزادی موسوی کروی فراتر نمیروند، دانشجویان صدای اکثریت جامعه را

علیه نظام فاسد اسلامی طنین انداز کردند. این صدا و این نقد و این نوع بیانیه ها و این اتحادها است که در مقابل حکومت و خیل مرتجعان دیگر، ملات واقعی متحد شدن توده های میلیونی مردم برای به گور سپردن این نظام و این حکومت و شکل دادن به جامعه ای انسانی است و این صدایی است که با خود امید میآورد و روحیه مبارزاتی مردم را بالا میبرد.

۱۶ آذر امسال یک روز متفاوت بود. روزی که فضای معترض و خشمگین جامعه ایران علیه حاکمین اسلامی سرمایه را بخوبی بازتاب داد و شور و رزمندگی را دامن زد. بیانیه فراگیر دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر که به امضای ۱۳ هزار دانشجو رسیده، کیفرخواستی عمیق و طبقاتی علیه وضعیت نابرابر و تبعیض آمیز و کالایی شدن کامل دانشگاه ها و انواع زورگویی ها و باجگیری ها است. این بیانیه در عین حال اعتراضی است به کل وضعیت اجتماعی که حکومت اسلامی و سرمایه داران حاکم بر کارگران و معلمان و مردم شریف تحمیل کرده اند. بیانیه دانشجویان مانیفستی است که معضلات عدیده جامعه و فرزندان زحمتکششان را به تصویر میکشد، نظام مبنی بر سود و تبعیض و نابرابری و فساد را بعنوان دشمنان مردم معرفی میکند و بر اتحاد و هم سرنوشتی مبارزات برحق کارگران، معلمان، زنان و تمام حذف شده ها و مطرود شده های جامعه بعنوان تنها راه حل علیه سیل بنیان براندازی که هستی دانشجو، کارگر، معلم، زن و تمام فرودستان را تهدید می کند، تاکید میکند. دانشجویان با این بیانیه صدای اعتراض کل جامعه به وضع موجود را رساتر کردند.

از همین روست که بیانیه دانشجویان نه تنها با حمایت دانشجویان ۸۰۰ دانشگاه و دهها نشریه و نهاد دانشجویی مواجه شد، بلکه تشکل های مختلف کارگری مستقل از دولت و تشکل های مختلف معلمان نیز از آن حمایت کردند و آنرا وسیعا در شبکه های اجتماعی منعکس کردند. این وجه مشخصه مهم ۱۶ آذر امسال است. حرکتی سراسری، با بیانیه ای فراگیر و عمیق که به نقطه عطفی در اتحاد کارگران و معلمان و دانشجویان تبدیل شد. عوامل مهم استوار بود.

اگر اتحاد کارگران و معلمان با بیانیه اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده علیه امنیتی کردن مبارزات گام مهمی به جلو

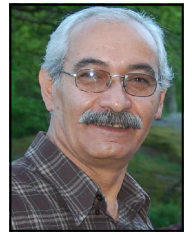
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۳۹۵

۷ دسامبر ۲۰۱۶



مانور نظامی - ناموسی، برای دفاع از ثروت و قدرت!



عبدل گلپریان

روز سه شنبه ۱۳ ماه دسامبر ۱۵ هزار پیشمرگ حکومت اقلیم کردستان عراق در یک مانور نظامی تحت عنوان "دفاع از ناموس" تجمعی در اربیل کردستان عراق برگزار کردند. داستان از این قرار است که یکی از نمایندگان پارلمان کردستان عراق بنام "سروه عبدالواحد" از اعضای فراکسیون گوران طی سخنانی در پارلمان عراق که بمنظور تصویب بودجه سال ۲۰۱۷ برگزار شده بود در رابطه با وضعیت مالی و اقتصادی خانواده های پیشمرگ در اقلیم کردستان گفته است: "در حالیکه حقوق ماهیانه بموقع در اختیار خانواده های پیشمرگانی که جان خود را از دست داده اند قرار نمیگیرد، همسران آنان ناچارند برای تامین معیشت زندگی شان "خودفروشی" کنند. (در ادبیات ناسیونالیسم کرد بجای "تن فروشی" از واژه خودفروشی استفاده میشود و منظور این نماینده از فراکسیون گوران "تن فروشی" بوده است). توضیح داخل پراتنت از من است.

در همین جلسه که بمنظور تصویب بودجه سال ۲۰۱۷ برگزار شده بود چهار فراکسیون پارلمانی متشکل از اتحادیه میهنی، گوران، جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی با دولت حیدر عبادی شرکت داشتند، فراکسیون حزب دمکرات در این نشست شرکت نکرد و آنرا تحریم کرد.

کرد. دولت مرکزی عراق و چهار فراکسیون نامبرده به این توافق رسیدند که حقوق کارمندان و همچنین نیروی پیشمرگ مستقیماً از سوی دولت مرکزی پرداخت شود و در ادای آن دولت مرکزی نیز بر فروش ۵۵۰ بشکه نفت صادره از کرکوک و مناطق دیگر اقلیم کنترل و حسابرسی داشته باشد. چهار فراکسیون نامبرده توافق بر سر تصویب بودجه با حکومت مرکزی را بنوعی یک پیروزی برای خود در مقابل فراکسیون حزب دمکرات که جلسه را تحریم کرده بود ارزیابی کردند.

در واکنش به این مسئله حزب دمکرات کردستان عراق (بارزانی) موقعیت را غنیمت شمرد و برای جبران شکستی که از سوی چهار حزب رقیب متحمل شده بود، سخنان نماینده گوران را مناسب دید که این شکست را تلافی کند و در اعتراض به اظهارات او کمپینی اعتراضی توسط هواداران خود در اربیل تحت عنوان "دفاع از ناموس پیشمرگ" براه انداخت. بنا به آخرین خبرها به تحریک حزب دمکرات شکایت نامه ای از سوی نمایندگان نیروی پیشمرگ به دادگاه داده شده است که کنار نهادن سروه عبدالواحد از پارلمان و همچنین محاکمه کردن او را به جریان بیاندازد. لازم به ذکر است که کاربدستان سطح بالا در دادگاه عالی حکومت اقلیم نیز وابسته به حزب دمکرات کردستان عراق هستند.

سخنان "سروه عبدالواحد" ضمن اینکه حقایقی از وضعیت زندگی مردم را بیان میکنند اما حزب متبوع ایشان و همه احزاب حاکم بر کردستان عراق در تحمیل تن فروشی به بخشی از این خانواده ها شریک و سهیم هستند. بالاخره

بعد از تهدید به کشته شدن از سوی منصور بارزانی، او در توضیحاتی تحت عنوان "سخنانش را نادرست تعبیر کرده اند"، ناچار به عذرخواهی شد.

چنین واکنشهایی تاریخاً سنت و فرهنگ دیرینه ناسیونالیسم کرد بوده است و تنها مختص به حزب دمکرات نیست. برای ناسیونالیسم کرد چه در حزب گوران باشد و یا اتحادیه میهنی و حزب دمکرات، ناموس پرستی، مردسالاری، تحقیر زن و اعمال دیگر نابرابریها نسبت به زنان یک رکن پایه ای این جریانات قومی اسلامی بوده است. هم کیشی احزاب ناسیونالیست با اسلام و متاثر از فرهنگ ضد زن آنان، جایگاه درجه چندم زن در افکار، سیاست و سنت این احزاب بر کسی پوشیده نیست و در چنین سرزنگاه هایی تحریکات عقب مانده در میان طرفداران این احزاب نیز به خدمت گرفته میشوند.

در همین رابطه حزب دمکرات نیز برای اینکه صف بندی طرف مقابل را بی پاسخ نگذاشته باشد، از طرف نخست وزیر و هیئت وزیران حکومت اقلیم خطاب به چهار فراکسیون عضو پارلمان، از آنان دعوت کرده است که روز چهارشنبه ۱۴ دسامبر در جلسه ای که هیئت وزیران بمنظور تصویب بودجه سال ۲۰۱۷ در اقلیم کردستان برگزار میکنند شرکت کنند. چهار فراکسیون پارلمان نیز عدم حضور خود در جلسه هیئت وزیران را به اطلاع آنان رسانیده و خواستار بتعویق انداختن این جلسه تا تصمیم نهایی فراکسیون هیاتشان شده اند.

اما آیا به خیابان آوردن ۱۵ هزار نیروی پیشمرگ از سوی حزب دمکرات به سرکردگی منصور بارزانی فرزند مسعود بارزانی تنها بدلیل سخنان "سروه عبدالواحد" بوده است که عرق مردسالاری و

ناموس پرستی ناسیونالیسم کرد را برانگیخته است یا اینکه حزب دمکرات در صف بندی اخیر بر سر تصویب طرح بودجه که تسلط بر بخشی از درآمد نفت را از دست میدهد و به جیب احزاب رقیب سرازیر میشود نگران است؟.

این دعوا قبل از اینکه بر سر تحریک احساسات ناموس پرستانه ناسیونالیسم کرد باشد، بر سر رقابت و بر سر تقسیم سود و ثروت هستی مردم در کردستان عراق است.

رقابت و دعوا بر سر کرسی و قدرت و مهمتر از اینها چپاول، دزدی، فساد و غارت هستی مردم کردستان عراق توسط هر پنج حزب شریک در حکومت اقلیم کردستان عراق امر تازه ای نبوده و نیست. مسئله ایجاد صفی متشکل از چهار فراکسیون پارلمان بر سر تصویب بودجه سال ۲۰۱۷ و در حاشیه قرار گرفتن حزب دمکرات در این ماجرا را باید بر متن همسویی دولت مرکزی عراق، نقش جمهوری اسلامی و قرار گرفتن چهار حزب شریک در حکومت اقلیم کردستان عراق در این صف بندی جدید توضیح داد. حزب دمکرات کردستان عراق نیز همچون همیشه در جبهه دولت ترکیه قرار دارد که طی ماههای اخیر چه در رابطه با اوضاع داخلی ترکیه و چه در مناسبات با دولتهای غربی در موقعیت مطلوبی قرار نداشته است.

این صف بندیهای منطقه ای میتواند توضح دهنده تقابلات اخیر در میان احزاب شریک و حاکم بر کردستان عراق بر سر تقسیم سهم و سود هستی مردم باشد. حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی از آنجا که تصویب بودجه سال ۲۰۱۷ را که در بغداد انجام گرفت و اجرایی شدن آنرا به زبان خود میبینند اظهارات "سروه عبدالواحد" از حزب گوران را بهانه ای برای برانگیختن احساسات عقب مانده در میان طرفداران خود تحت

عنوان "اهانت به ناموس پیشمرگان" را به تبلیغات گسترده ای علیه حزب گوران تبدیل کرده است. تن فروشی، فقر و فلاکت اعمال شده بر مردم پدیده ای اجتماعی است که از قبل سیاست و اهداف احزاب حاکم، انباشت سود و ثروت جامعه در دستان حاکمیت پدیدار میشود. دعوا بر سر تصویب بودجه سال آینده کردستان عراق در هر شکل و شمایل (چه در بغداد و چه در اربیل) رسمیت یابد و انجام بگیرد چیزی جز سهم خواهی احزاب حاکم بر کردستان عراق، سود بردن حکومت مرکزی، و نفوذ هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و دولت ترکیه در تحولات کردستان عراق و تحمیل تباهی هر چه بیشتر بر مردم کردستان عراق را در بر نخواهد داشت.

عاملین و مسببین اصلی تحمیل فقر، تن فروشی، ناداری، نا امنی، حقوقهای پرداخت نشده و دستمزدهای به گرو گرفته شده معلمان و کارمندان، و وضعیت نابسامان و فلاکتناز زندگی و معیشت مردم کردستان عراق، سران و کاربدستان احزاب شریک در حکومت اقلیم کردستان عراق هستند. کمپین و مانور نظامی تحت عنوان "دفاع از ناموس" چیزی جز دعوا بر سر تقسیم سود و ثروت نیست. تعصب کور، عقب مانده و ناموس پرستانه ناسیونالیسم کرد این خاصیت را برایش دارد که در معادلات و رقابتهای بین احزاب بعنوان شمشیری زنگ زده بکار گرفته شود. میلیونها مردمی که بیش از دو دهه زندگی فلاکتباری را تحت حاکمیت این احزاب تجربه کرده و در کنار این تباهی شاهد ثروت اندوزی و چپاول هستی شان از سوی سران عشایر و طوایف احزاب اسلامی و قومی بوده اند، باید خود به میدان آیند و به این وضعیت خاتمه دهند.

۱۳ دسامبر ۲۰۱۶



حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی درگیر در صحنه امروز کردستان عراق و افتخای ضد مردمی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تأکید میکند.
حزب کمونیست کارگری ایران هر نوع توافقی از بالا میان رژیم عراق و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود میداند و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم کردستان عراق در مورد آینده سیاسی کردستان است.

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینان، نسرین رمضانلی

آرام فتحی، فعال مدنی اهل مریوان به دلیل "اعتراض به کشتار کولبران" بازداشت شد.

این فعال مدنی روز سه شنبه ۱۶ آذرماه مقابل منزل شخصی به دلیل اعتراض به کشتن کولبرهای مرزی، آنچه که دوستان وی به موکریان گفتند، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. دوستان و همکاران فتحی در گفتگو با موکریان افزودند: وی علاوه بر عضویت در انجمن کوردی قوژین، انجمن ادبی مریوان و انجمن سبز چیا، در اقدامات و مشارکت های مدنی شهرستان مریوان به طور فعالی حضور داشت. مهرماه امسال به دنبال شرکت در تجمعات اعتراضی جمعی از شهروندان نسبت به بی توجهی مسئولان به جاده های مریوان، آرام فتحی توسط نهادهای امنیتی احضار شد.

کارگران کولبر

بامداد روز سه شنبه ۹ آذرماه نیروهای هنگ مرزی در منطقه «دوران و میرگه درژیر» از توابع مریوان، کاروانی از کاسبکاران را مورد هدف تیراندازی مستقیم قرار داده که در نتیجه آن یک نفر به نام «کمال بامزر» اهل «روستای قتون» مریوان در جا کشته شده و دو کاسبکار دیگر به نام «ادریس و توفیق» به شدت زخمی شدند. هر دو کاسبکار زخمی شده به بیمارستان بوعلی مریوان منتقل شده و برپایه گزارشات دریافتی یکی از کاسبکاران زخمی شده کلیه خویش را به دلیل شدت جراحات از دست داده است.

رضا رعنائی کولبر ۳۵ساله در منطقه سرتزین(بانه) به ضرب گلوله نیروی انتظامی زخمی شد یک کولبر دیگر در ماکو بنام مجید دادخواه ساکن روستای یارم قیه علیا کشته شد.

کولبر ساکن ماکو در فاصله چند متری از سوی نیروهای انتظامی رژیم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان سپرد. روز پنجشنبه ۱۸ آذرماه، "مجید دادخواه" کولبر اهل ماکو با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی رژیم جانش را از دست داد. یکی از

چادرهایی برپا کرده‌اند که البته هم اکنون به دلیل سردی هوا به داخل مجموعه رفته‌اند؛ اما تاکید دارند که تا تکلیف پرداخت مطالباتشان مشخص نشود به تجمع خود پایان نمی‌دهند. تعداد کارگرانی که در این تجمع حضور دارند در ساعات مختلف شبانه روز و با توجه به سردی هوا متفاوت است؛ اما کارگران تلاش دارند که این تجمع اعتراضی را به صورت حداکثری برگزار کنند. مجتمع صنعتی کشت و صنعت مهاباد از ۴ شرکت کشت و صنعت، مجتمع دامداری و صنعتی، سردخانه زمزم، همامرغ مهاباد تشکیل شده است که هم اکنون بیش از ۱۰۰ کارگر در این مجموعه مشغول به کار هستند. این کارگران به اضافه کارگران اخراج شده بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان مزد، مزایای مزدی و سنوات از این شرکت طلبکارند. علاوه بر دستمزدها بیمه این کارگران پرداخت نشده و با مشکل تمدید دفتر چه های بیمه شان روبرویند.

گزارش دریافتی از وضعیت شرکت صلب مانی سنندج

شرکت صلب مانی واقع در سنندج، شهرک صنعتی شماره یک خیابان تعاون، دارای ۲۸ نفر کارگر می باشد. این کارگران اکثراً زن و دختر هستند و بدون بیمه و حتی بدون در نظر گرفتن قانون کار با دستمزد ۳۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ تومان از ساعات ۸ صبح تا ۷ بعدازظهر کار می کنند. این در حالی است که این کارگران فاقد سرویس ایاب و ذهاب می باشند. کارگران می گویند طبق ماده ۱۵۲ قانون کار کارگرانی که از محل کار دور هستند، شرکت موظف است که وسیله رفت و آمد را در اختیار کارگران قرار دهد و هم چنین شرکت باید در روز یک وعده غذای گرم به کارگران بدهد. این وضعیت اسفناک موجب نارضایتی کارگران شده، اما کارگران به دلیل ضعف مالی و نیز ترس از بیکاری، توانایی برخورد یا اعتراض علنی به کارفرما را ندارند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۹۵/۹/۲۱

دختران شین آباد

متن ارسالی به کانال کمیته هماهنگی. شین آباد و طعمه حریق شدن دختران دانش آموز همین روستاست .

من امروز به اتفاق چند نفر از دوستان به همین مناسبت، به روستای شین آباد رفته ام و از نزدیک با این قربانیان دنیای سرمایه، دیدار داشتم. خیلی اسفناک بود. سکوت سنگینی بر فضا حاکم بود. بغض گلی همه را گرفته بود. واقعا تا مدتی چیزی برای گفتن نداشتیم. اما وقتی به حرف آمدم، یکی از مادران گفت: آقا شما خیلی خوب و روحیه بخش حرف می زنید، اما این حال روز ماست. هیچ کس به ما توجهی نمی کند و حتی کک شان هم نمی گرد.

بعد همه دختران با هم گفتند کاش ما هم مثل یگانه سوخته بودیم و مرده بودیم. ما که هر روز چند بار می میریم و زنده می شویم. بعد یکی از مادران گفت اگر ما هم پول و ثروت داشتیم، دولت جور دیگری برخورد می کرد. یکی دیگر می گفت دولت مال سرمایه داران است.

از محدود دفاعتی بود که اصلا نمی توانستم حرف بزنم خیلی تحت تاثیر قرار گرفته بودم. وقتی خواستم یه عکس یادگاری بگیرم، حاضر نشدند که عکس بگیرند چون خجالت می کشیدند.

یکی از مادران می گفت دختران ما بالغ شدند. حالا که در این دور زمانه دختران سالم مورد سو استفاده قرار می گیرند، ما با این دختران چکار کنیم؟

بالاخره به حرف آمدم و خیلی از مناسبات موجود استثمار قشر محروم به دست اقلیتی محدود و انواع تبعیض های موجود از جمله تبعیض جنسی حرف زدم. اما زخم این پدران و مادران عمیق تر از این حرف هاست. خیلی باهاشون درد دل کردم و در آخر مجاب شدند که به اتفاق هم و با اتحاد می توانند حداقل هزینه های درمان و دیه را بگیرند.

خیلی متأسف شدم صحنه هایی که دل سنگ را به جوش می آورد....

.....

مهدی فتحی / مافیای تجارت آموزش مهدی فتحی

دبیر ریاضی ناحیه یک سنندج سیزده و نیم میلیون دانش آموز و یک میلیون معلم، و به تبع آن بیش از نصفی از جامعه حدودا هشتاد میلیونی ایران فدای زیاده خواهی و مال اندوزی عده ای شده اند که آموزش و تربیت کودکان و آینده سازان این کشور را با پییس و پفک اشتباه گرفته اند و می خواهند از هر طریقی که می شود، ثروتمند شده و برای خودشان در جامعه کسی باشند. افرادی که حاضر نیستند حتی یک قدم هم از اهداف شوم خود عقب نشینی کرده، و شوربختانه هر روز که می گذرد بیشتر جلو رفته، و حتی یک قدم به عقب و دو قدم به جلو هم نمی کنند. و همه قدم هایشان همواره رو به جلو است. سیستم آموزشی کشور را به گند کشیده اند و دانش آموزان را به جان هم انداخته و از همه بدتر، اولیای دانش آموزان را به جان کودکانشان جهت تیزهوش شدن و موفق شدن در این سیستم نادرست آموزشی انداخته اند. و بدین سان هرچقدر که جلو می رویم، کودکان بیش از پیش از مدارس فراری شده، ترک تحصیل رواج بیشتری یافته، و بر میزان جرم و جنایت و آمار زندانیان افزوده می شود. در کشوری که ادعای مرکزیت جهان اسلام را دارد، بیش از چهل میلیون پرونده قضایی رسمی و برملا شدن اختلاس ها و رانت خواری ها و رشوه خواری های متعدد، واقعا جای این را ندارد که به فکر فرو رویم؟ و چاره ای برای پیش گیری از این اوضاع بیندیشیم؟ آن هم در حالی که بیش از ۱۵ میلیون کودک زیر ۱۸ سال داریم که برایشان پرونده قضایی تشکیل نمی شود....

آیا در کشوری که کل بودجه یک سال آموزش و پرورش اش با تمام معوقات و طلب ها و... به سی هزار میلیارد تومان هم نمی رسد، گردش مالی بیش از نوزده هزار میلیارد تومان در موسسات آموزشی، خصوصی، مدارس خصوصی، مراکز سنجش نیمه خصوصی و آموزشگاه های آزاد، تجارت با آموزش و بازی با آینده یک مملکت نیست؟ آیا این کودکان و این جامعه

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی



زینب جلالیان

یک نهاد بین‌المللی مدافع حقوق بشر کارزار توقف نقض حقوق دوازده زندانی سیاسی از سراسر جهان را آغاز کرد. سازمان عفو بین‌الملل، زینب جلالیان از فعالین سیاسی را به عنوان زندانی سال انتخاب کرده است. انتخاب این زینب ۳۴ ساله به عنوان تنها نماینده از زندانیان سیاسی ایران در آستانه دهم دسامبر (بیست آذرماه) روز جهانی حقوق بشر صورت می‌گیرد. اعضا و داوطلبان عفو بین‌الملل در سراسر جهان میلیون‌ها نامه برای توقف نقض حقوق اولیه این زندانی می‌نویسند. به‌همراه این فعال سیاسی دربند که به بیماری "تاخنک" مبتلا گشته، یازده فعال دیگر از کشورهای جهان نیز معرفی شدند.

سازمان ملل متحد در سال جاری رایبی صادر کرد که به موجب آن دولت ایران باید هرچه سریع‌تر، زینب جلالیان را آزاد کند و به او بابت بازداشت غیرقانونی، شکنجه و آزار و حبس خلاف حقوق بشر، غرامت بپردازد. زینب جلالیان اهل شهرستان ماکو است و در اسفندماه سال ۸۶ در شهر کرمانشاه بازداشت شد. دستگاه قضایی ایران او را به اتهام "محاربه" و عضویت در یکی از احزاب کردی از سوی دادگاه انقلاب ابتدا به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم کرد. به نقل از کردپا.

خود سوزی

در کامیاران زنی به اسم نگین بید خام بخاطر مشکلات خانوادگی دست به خود سوزی زد و بعد از یک روز بستری شدن در بیمارستان اصفهان جان خود را از دست داد.

اختلافات خانوادگی در دو دهه اخیر به دلیل آگاه شدن زنان از حقوق فردی و اجتماعی خویش افزایش چشمگیری داشته است.

هنجارهای هر جامعه ارزش‌ها

و قواعد رفتار، از ریزترین و خصوصی‌ترین تا کلان‌ترین آنها را از گذشته تا آینده ترسیم می‌کند و اگر فردی از این قوانین تخطی کند، با واکنش‌های شدید محیط خویش روبه‌رو می‌شود و از آنجا که فرد توان هنجارشکنی ندارد، در رویارویی با معضل خود به راه‌های مختلف از جمله خودآزایی متوسل می‌شود

«شهلا محمدیانی» زندانی سیاسی اهل مهاباد محبوس در زندان تبریز

شهلا محمدیانی ۲۸ ساله در تاریخ شانزدهم مهر ماه سال گذشته در شهر مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به اداره اطلاعات همان شهر منتقل شد. وی مدت ۶۷ روز در سلول‌های انفرادی در بازداشتگاه اطلاعات مهاباد تحت بازجویی و شکنجه بوده است. شهلا محمدیانی ۲۸ آذرماه ۹۴ در شعبه یک دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام «عضویت در یکی از احزاب کرد و تبلیغ علیه نظام» به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شد، این زندانی سیاسی حدود ۱۰ ماه است که در زندان تبریز بسر می‌برد. وی مدت چهارماه را در زندان مهاباد گذراند و سپس با حکم قضایی به زندان تبریز منتقل شد. او هم اکنون در زندان مرکزی تبریز دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

هیمن محمدیانی برادر شهلا در این باره به «کانون مدافعان حقوق بشر کردستان» گفت؛ خواهرم شهلا هیچگونه ارتباطی با احزاب کرد نداشته و علیه او پرونده سازی کردند.

وی همچنین گفت که آن شب ماموران ساعت یک و نیم بامداد وارد خانه ما شدند و همان شب تمام وسایل منزل را بهم ریختند اما پدرم از آنها حکم خواست ولی بدون مجوز وارد منزل ما شدند و خواهرم را با زور بردند و آن موقع پدرم مقاومت کرد و ماموران او را هل دادند و به پدر پیرمان بی‌حرمتی کردند.

او ادامه داد؛ خواهرم به حدی شکنجه شده بود که متاسفانه کتف سمت چپ او قدرت کاری را ندارد. ۴ سال حکم برای شهلا بسیار

ناعادلانه غیر منصفانه است.

نشست خبری

«جنبش زنان آزاد»
درخواست آزادی سارا آکتاش
گروهی از زنان عضو «جنبش زنان آزاد» طی یک نشست خبری در شهر آمد، خواهان آزادی سارا آکتاش شدند که چند روز پیش توسط نیروهای امنیتی ترکیه دستگیر شد. در این نشست خبری که در دفتر نمایندگی حزب مناطق دمکراتیک در شهر آمد برگزار شد علاوه بر اعضای جنبش زنان آزاد، نمایندگان گروه مادران صلح نیز حضور داشتند. یکی از سخنرانان در این نشست دستگیری سارا آکتاش را حمله به زنان خواند و گفت: «سارا آکتاش، لیلا آجات آتا و دیگر نمایندگان و فعالان دربند مایه افتخار مردم کردستان هستند».

او گفت زنان کردستان در برابر سیاست پاکسازی دولت ترکیه و اتهامات دروغینی که به دستگیر شدگان نسبت می‌دهد سر خم نخواهند کرد. سارا آکتاش از اعضای جنبش زنان آزاد بود که پس از دستگیری از سوی رسانه‌های ترکیه به عنوان نماینده ک.ج.ک در ترکیه معرفی شد.

دو چرخه سواری زنان عراقی

دو چرخه سواری زنان عراقی با هدف شکستن تابوهای اجتماعی در عراق برگزار شد. قانونی مبنی بر منع زنان از دو چرخه سواری وجود ندارد ولی به دلایل عرفی و سنت‌های عقب مانده، به ندرت زن دو چرخه سوار در خیابان‌ها دیده می‌شوند. برخی زنان عراقی تصمیم گرفته‌اند تابوهای اجتماعی را بشکنند.

کم کاری پزشکان

باعث مرگ زن باردار شد

کم توجهی و قصور پزشکی در بیمارستان قدس شهر پاره باعث مرگ یک زن باردار شد.

«مرضیه شکر» اهل نوسود که به بیمارستان قدس شهر پاره مراجعه نموده پس از عمل سزارین وی و تولد بچه وضعیت بیمار رو به وخامت رفت و روز بعد به دلیل عدم تلاش کادر پزشکی جهت احیاء و عدم انتقال وی به بیمارستان کرمانشاه این زن جان خود را از دست داد. ***

از صفحه ۴

نگاه هفته...

چه گناهی کرده‌اند که باید آینده شان را در گرو مافیای نامعلوم آموزشی و دست‌های پشت پرده ای بگذارند که اجازه نمی‌دهند یک سیستم صحیح آموزشی-آموزشی و نه آموزشی-آموزشی-آموزشی و یا آموزشی-مال-افزایی در کشور طرح ریزی شده و جامعه را به سمت آینده‌آل‌ها سوق دهد؟

مسئله اصلی این است که اگر این نظام آموزشی، آن تغییر اساسی مد نظر را بکند، باید بازار کسب و کار بسیاری از این موسسات و غول‌های تجاری آموزشی برچیده شده و آموزش و پرورش از سیطره کسب ثروت آنها خارج شود. اینجاست که با رخنه بر اغلب قسمت‌های مدیریتی دولت و وزارت آموزش و پرورش، نظام آموزشی حاکم بر کشور را به آن سمت و سویی که می‌خواهند سوق می‌دهند. به جرأت می‌توان گفت، اگر تحقیق و تخصص دقیقی در کشور صورت بگیرد، در خواهیم یافت که اکثریت قریب به اتفاق مدیران و فرادستان آموزشی کشور، یا خود بطور مستقیم در این موسسات و تجارت با آموزش کودکان نقش دارند، و یا بطور غیر مستقیم و از طریق بستگان و دوستان درجه یک و دو خود، در منافع اینگونه موسسات سهیم هستند. فلذا تا وضع بر این منوال باشد؛ هرچقدر که افراد دلسوز جامعه در جهت بهبود اوضاع تلاش کنند؛ ره به ترکستان می‌برند و بیش از پیش منزوی و مطرود خواهند شد. مع الوصف همیشه سعی بر حذف افرادی می‌کنند، که به چنین اوضاعی معترض می‌شوند. تا تاجران آموزشی از گردونه رقابت برای مال اندوزی خارج نشوند.

وجود نمره و امتحان و ایجاد فضایی رقابتی بین کودکان از همان ابتدای کودکی، و همچنین تألیف و نشر و تحمیل کتاب‌هایی پر حجم و سنگین و نامأنوس بر کودکان؛ باعث شده است که بازار کتاب‌های کمک آموزشی حتی تا دوره پیش دبستانی نیز رخنه کرده و خانواده‌ها و کودکانشان را به جان هم

بیااندازند. تلاش برای عدم حذف کنکور و حتی کشاندن کنکور و آزمون‌های ورودی مدارس خاص و از آن بدتر، تأسیس و اشاعه مدارس خاص و جدا کردن دانش آموزان تیزهوش از بقیه، و تلاش خانواده‌ها برای تیزهوش کردن اجباری کودکان و گرایش به سمت کلاس‌های خصوصی و فوق برنامه و آزمون‌های آزمایشی و الخ و هزینه کردن‌های گزاف در این راه، همگی حاکی از وجود دست‌های پشت پرده و مافیای مخوف تجارت آموزشی در کشور است. کودکانی که باید برای پیشرفت و تعالی هرچه بیشتر جامعه تربیت شوند، و آینده این کشور را به بهترین شیوه ممکن بسازند، اکنون فقط دور خودشان می‌چرخند و مغز هایشان را پر از سوال و تست و آزمون‌های تشریحی و چهارگزینه‌ای و مطالب بی‌ربط کرده‌اند، و خودشان در حال لذت بردن از منافع مادی حاصله از این خیانت بر جامعه هستند. جالب اینکه کار تا جایی پیش رفته است که هنوز ویرایش جدید کتاب امسال از دفتر تألیف کتب آموزشی وزارت آموزش و پرورش نهایی و خارج نشده است، در کتابفروشی‌های سطح کشور شاهد کتاب‌های کمک آموزشی و گام به گام‌ها و کتاب‌های کار و... این دست کتاب‌های درسی ای هستیم که هنوز به چاپ نهایی نرسیده و حتی دست اولین شخص وزارتخانه هم نرسیده است.

اکنون و با این اوصاف، حتی اگر وزیر آموزش و پرورش خود از این منافع سهمی نداشته باشد؛ و بخواهد تغییرات پایه‌ای و بنیادین در سیستم آموزشی حاکم بر کشور ایجاد نماید، یقیناً در مقابل این ابرقدرت‌های اقتصادی و تجاری توان مقابله نداشته و جدای از حضور افکار ایدئولوژیک حاکم بر آموزش و پرورش، وجود این مافیای تجاری نیز مزید بر علت بوده؛ و قدرت وزیر را در ایجاد تغییر به صفر تقلیل می‌دهند.

تحرک در میان کارگران نفت بالا گرفته است کارگران نفت با طومار ۱۰۵۰۰ نفری خواهان افزایش دستمزد هستند جمهوری اسلامی مانع تجمع سراسری کارگران نفت و خانواده هایشان شد



طومار کارگران و تلاش برای تجمع سراسری همراه با خانواده های کارگران نشاندهنده تحرك وسیعی است که در سراسر کشور در میان کارگران بخش های مختلف صنعت نفت جریان دارد. لازم به توضیح است که کارگران نفت در پتروشیمی ها مخصوصا پتروشیمی های بندر ماهشهر اعتصابات وسیع و دامنه داری در سالهای گذشته برای الغای کار قراردادی و تبدیل قراردادهای موقت به قرارداد دائم، افزایش حقوق و لغو خصوصی سازی ها و دیگر مطالبات خود داشته اند. تجمع کارگران چندین پتروشیمی که به نمایندگی از طرف ۷۰۰۰ همکار

خود در سراسر کشور در تهران انجام شد و تجمعات کارگران پالایشگاه آبادان و نامه کارگران نفت و گاز گچساران به روحانی که به حقوق های نجومی مدیران و حقوق های ناچیز کارگران اشاره کرده بودند، از نمونه دیگر تحرك در کارگران صنعت نفت در سالهای گذشته بوده است. اما فشار امنیتی در پالایشگاهها و مراکز حساس نفت برای کنترل اعتراضات کارگران بسیار شدید است. اقدام به جمع آوری طومار راهی برای غلبه بر این فشارها و ایجاد آمادگی برای دست زدن به اعتصاب و تجمعات سراسری و اعتراضی است.

حزب کمونیست کارگری از مبارزه کارگران نفت و خواست های بحق آنها قاطعانه حمایت میکند. فضای اعتراضی رو به رشدی که در میان کارگران رشته های مختلف، در میان معلمان و بازنشستگان و نیز دانشجویان شکل گرفته است، بدون تردید زمینه را برای شروع اعتصابات و تجمعات گسترده کارگران نفت و سایر مراکز کلیدی و خانواده های آنها هموارتر میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آذر ۱۳۹۵
۷ دسامبر ۲۰۱۶

قرار بود روز چهارشنبه ۱۷ آذرماه کارگران و سایر پرسنل شرکت نفت و خانواده های آنها از سراسر کشور در مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران دست به تجمع بزنند و دولت را برای افزایش دستمزد تحت فشار قرار دهند. این تجمع بدلیل فشارهای امنیتی لغو شد اما طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران و پرسنل نفت اعلام کرده اند که به مبارزه خود برای افزایش دریافتی دستمزد ادامه خواهند داد. طبق این گزارش کارگران نفت از اوایل امسال شروع به جمع آوری

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما گذشته اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استشارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتکون یاد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده یاد سوسیالیسم!
زنده یاد حزب کمونیست کارگری!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVTVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگری:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!